

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۶ جون ۲۰۱۸

"اسلام سیاسی" سرانجام خون "ملا" را هم ریختاند

۲

سه شنبه- ۱۵ جوزا ۱۳۹۷- کابل:

۱- طبق گفته مولوی عبدالصیر رئیس "شورای علمای شهر کابل" در مصاحبه اش با برنامه فراخبر تلویزیون طلوع به تاریخ ۱۴ جوزا یعنی روز گذشته، اسلام شناسان شرکت کننده در جلسه همان روز فیصله نمودند، که جنگ در افغانستان ناروا و در نتیجه ناجایز بوده، از هر دو طرف درگیری یعنی هم دولت دست نشانده و هم مخالفان مسلح آن در وجود طالب و داعش خواستند تا به برادر کشی خاتمه داده، صلح نمایند.

اگر واقعینانه و بدون تعصب به قضیه نگریسته شود، می بینیم که شورای نام نهاد برای اولین و چه بسا برای آخرین بار در طول حیات هرز و بی فایده اش، حکم درست، منطقی و بجا صادر نموده است. این همان حکمیست که نیروهای انقلابی و رسانه های متعهد در پیشاپیش همه پورتال آزاده و دورنگر "افغانستان آزاد-افغانستان" با ارتجاعی اعلام داشتن جنگ، هر دو طرف جنگ را نیروهای ارتجاعی، تاریخ زده و دشمن مردم افغانستان معرفی نموده است. من به نوبه خود، خود را مکلف می دانم تا بابت صدور چنین حکمی به آن جمع که زیر نام "جلسه سراسری علمای دینی افغانستان" دایر شده بود، تبریک بگویم. ابراز تبریگی در قبال خود مسایل آتی را نیز به بحث می گذارد:

الف- این را همه می دانیم که جنگ ادامه سیاست با ابزار دیگر است. این را هم می دانیم که تمام جنگها هم برخاسته از سیاست های متقابل است و هم در خدمت حل تنازعات سیاسی قرار دارند. سؤالی که با خواندن حکم اولی اسلام شناسان به وجود می آید این است که وقتی جنگ ناروا باشد و جنگ ادامه سیاست باشد، پس سیاستی که جنگ از آن برخاسته هم ناروا و نامشروع است، بادر نظر داشت این که چنین اعتقادی بدان معناست که نه دولت دست نشانده حقانیت و مشروعیت دارد و نه هم مخالفان مسلح آن، لذا حضرات اسلام شناسان گفته می توانند که اولاً زندگانی خودشان در زیر بیرق یک حاکمیت نامشروع به چه معناست و در ثانی مردم افغانستان در قبال چنین حاکمیت نامشروعی چه وظیفه دینی و میهنی دارند؟

ب- صدور حکم ناروا دانستن جنگ، از آنجائی که طرف های مقابل این اسلام شناسان به حرف اینها برابرمی هم ارزش قایل نیستند، در نتیجه صدور چنین احکام و فتوا هائی هیچ نوع تأثیری در افراد آنها ندارد. چنانچه با یک حمله انتحاری در عمل اعلام داشتند که با ملا های پلوخور دالر گیر، رابطه ای ندارند، اما برای طرف دیگر قضیه یعنی

دولت دست نشانده، که چنین مجلسی را با در نظر داشت تمام اصول های مخفی کاری و امنیتی دایر نموده اند و در واقع این اسلام شناسان با صدور حکم و فتوای شان حق نان و دالر هائی را که گرفته بودند، ادا کردند، چیزی جز پرتاب بومرنگ که به طرف پرتاب کننده بر می گردد نیست. زیرا به دولت دست نشانده این حق و اجازه را نمی دهد تا جهت تحقق یک سیاست ناروا، ناجایز و نامشروع، فرزندان این وطن را زیر نام عسکر، پولیس و یا سایر نیروهای امنیتی به جنگ بفرستد.

ج- گفتیم که چنین احکامی برای مخالفان مسلح دولت دست نشانده ارزش ملی هم ندارد در نتیجه آنها می توانند کشته های شان را شهید راه حق، واجب الجنه و آماده برای معاشقه با هفتاد حور و هر قدر غلمان که بخواهند معرفی دارند، مگر دولت دست نشانده که خود را محتاج صدور چنین احکامی می داند به ارتباط این حکم راجع به کشته های عساکر و افراد امنیتی اش چه می گوید. بر مبنای حکم این جلسه چون جنگ ناروا است در نتیجه تمام افراد امنیتی که می کشند و یا کشته می شوند چون اساس کار شان دفاع از یک سیاست و عمل ناروا، ناجایز و نامشروع است، نه تنها به خاطر فیر هر گلوله نزد خدای اسلام پاسخگو هستند، بلکه وقتی کشته می شوند نه تنها شهید نمی باشند و از ۷۰ حور و فلان خبری نیست، بلکه به مفهوم واقعی کلمه مردار از دنیا رفته، دوزخی می باشند.

به ارتباط اولین حکم دیدیم که چنین حکمی به جز تف سربالا هیچ معنا و مفهوم دیگری ندارد.

ادامه دارد